



رهنمودهای امام حسن عسکری علیه السلام برای زنان



عبدالکریم پاک نیا

شخصیت زن در اسلام

پیش از اسلام در هیچ یک از جوامع بشری، زن عضوی مؤثر و شخصی مستقل محسوب نمی شد و کلمه زن مفهوم زبونی، خواری و بی خردی داشت و در ادبیات آنان، چه نظم و چه نثر سخن بسیار در ناشایستگی و تحقیر جنس زن یافت می شود که طرز تفکر و دیدگاه آنان را نسبت به زن نشان می دهد.

اما از روزی که آفتاب عالمتاب رسالت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در افق جهان درخشید، نقش زن در جامعه

کاملاً دگرگون شد و مردمانی که برای زن اهمیت قائل نبودند و او را موجودی پست و برای خدمتگزاری انسان شریف (مرد) به حساب می آوردند، در پرتو تعالیم اسلام، به عنوان انسانی دارای حقوق و شخصیت اجتماعی شناختند.

خداوند متعال نقش زن را به طور واضح مشخص کرد و او را همانند مرد عضو کامل جامعه و دارای جایگاه قانونی، شرعی و رسمی قرار داد.

زن و دختر که تا قبل از اسلام زنده به گور می شد و یا به عنوان سهم الارث

حیات حقیقی می‌بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.»

در این آیه، ارزش تلاش و فعالیت‌های معنوی برای زن، همانند مرد دارای نتایج ثمربخشی شمرده شده است؛ به طوری که می‌تواند با کوشش‌های شبانه روزی و گام نهادن در مسیر کمال و سعادت به درجات عالی انسانی در دنیا و آخرت برسد. معیار ارزش در نزد خداوند متعال زن یا مرد بودن نیست؛ بلکه تقوا، پارسایی و شایستگی است. به همین جهت، رسول گرامی اسلام ﷺ تکریم زنان و دختران را در سر لوحه برنامه‌هایش قرار داد و حقوق از دست رفته آنان را احیا کرد و بدون تردید تا به امروز هیچ مذهب و آیینی همانند اسلام از نقش زن و شخصیت او دفاع نکرده است.

آیا زیباتر از این سخن که زن می‌تواند همانند مرد و حتی بهتر از آنان به اوج برتری و فضیلت انسانی دست یابد، در جای دیگر به غیر از قرآن

به سایر ورثه منتقل می‌گردید، همانند مردان و پسران توانست از خویشان سببی و نسبی خود مانند پدر و مادر ارث ببرد.

گذشته از اینها، افکار زن به عنوان اندیشه‌های مستقل پذیرفته گردید و او توانست آزادانه تصمیم بگیرد و به انتخاب خود شوهر کند و دارای درآمد و مالکیت شخصی گردد و از مال و حقوق فردی و اجتماعی‌اش دفاع کند و حتی توانست به نفع یا ضرر دیگران شهادت بدهد و کارهای او در جامعه مورد احترام و دارای ارزش باشد. تعدی مردان نسبت به زنان نیز قابل تعقیب قانونی و دارای کیفر گردید.

خداوند متعال جایگاه زن را که تا قبل از اسلام به پایین‌ترین درجه رسیده بود و در بسیاری از ادیان و مذاهب در ردیف شیطان قرار داشت، آن چنان بالا برد که فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱ «هر کسی - مرد یا زن - کار شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن است، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای،

سراغ داریم که فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»^۱ «ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت گروهها و قبایل مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ [البته اینها معیار امتیاز نیست و] فقط گرامی ترین شما در نزد خداوند متعال با تقواترین شماست.»

با توجه به ارزش و جایگاه اسلامی و معنوی زن در اسلام، برای او حقوق و تکالیفی است که مواردی از آن را در کلام امام حسن عسکری علیه السلام به نظاره می‌نشینیم و آموزه‌هایی را از مکتب پر بار آن پیشوای هدایت، در مورد بانوان به عزیزان خواننده تقدیم می‌کنیم.

سرور زنان

امام عسکری علیه السلام برای هدایت بیشتر بانوان مسلمان و ترغیب آنان به سوی کمال، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به عنوان اسوه بانوان عالم معرفی کرده و در فرازی از صلوات حضرتش که در سامراء بر عبدالله بن محمد عابد املاء فرمود، آن بانوی بانوان عالم را

چنین ستوده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ الصَّادِقَةَ فَاطِمَةَ الزُّكِّيَّةَ حَبِيبَةَ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَأَضْفِيائِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَيَّ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبُ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ النَّائِرُ لِلَّهِمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا»^۲ پروردگارا! بر صدیقه، فاطمه پاک و محبوب دل حبیب و پیامبرت درود بفرست! همان بانویی که مادر دوستان و برگزیدگان توست، او را از میان دیگر بانوان برگزیدی و فضیلت دادی و بر زنان عالم برتری بخشیدی. خداوندا! تو خود انتقام آن بانوی گرامی را از کسانی که بر او ظلم روا داشته و حقش را سبک شمردند، بستان! بارالها! انتقام خون فرزندانش را نیز خودت بگیر!

امام در ادامه، به جایگاه والای حضرت زهرا علیها السلام اشاره کرده و این گونه با خداوند نجوا کرده است.

«خدا یا! همان طوری که حضرت زهرا علیها السلام را مادر پیشوایان هدایت و همسر صاحب لوا در ملأ اعلیٰ

۱. حجرات/۱۳.

۲. مصباح المتجهد، شیخ طوسی، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۹.

قرار دادی، پس بر او و مادرش خدیجه کبری درود فرست! درودی که با آن پدرش محمد ﷺ را گرامی داشته و چشمان فرزندانش را با آن روشن سازی و از سوی من در همین ساعت بهترین تحیت و سلام را به ایشان ابلاغ گردان!»^۱

ارث زن

از مسائلی که امروزه در جامعه ما مطرح است و آن را به عنوان یکی از شبهات در ذهن بانوان مسلمان القاء می‌کنند، موضوع نصف بودن ارث زنان در اسلام می‌باشد. این پرسش در عصر اهل بیت ﷺ نیز مطرح بوده و از آن بزرگواران پرسیده می‌شد. اسحاق بن محمد نخعی می‌گوید: روزی ابوبکر فهفکی از امام عسکری ﷺ پرسید: چرا زن بینوای ناتوان یک سهم در ارث می‌گیرد، اما مرد دو سهم می‌گیرد؟ امام در پاسخ فرمود: «إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَلَا نَفَقَةٌ وَلَا عَلَيْهَا مَغْفَلَةٌ إِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى الرَّجَالِ؛ زن وظیفه ندارد به جهاد برود و نفقه پردازد و دیه بدهد. همه اینها به عهده مردان است.»

بعد از شنیدن این پاسخ، به ذهنم

خطور کرد که شنیده بودم ابن ابی العوجاء این شبهه را از امام صادق ﷺ سؤال کرده بود و حضرت همین پاسخ را داده بود. در آن لحظه، امام عسکری ﷺ از افکارم به من خبر داد و فرمود: «بلی، این همان پرسش ابن ابی العوجاء است و پاسخ همه ما امامان در مقابل پرسشهای واحد، یکی خواهد بود. برای آخرین ما همان جریان دارد که برای اولین ما و همه مادر علم و دانش مساوی هستیم و پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علی ﷺ فضیلت خاص خود را دارند.»^۲

ضرورت حجاب

دین مبین اسلام برای مصونیت جامعه و حفظ شأن زن و مرد دستور حجاب و پایداری بر عفت برای بانوان مسلمان داده است. حجاب بانوی مسلمان، آرامش روانی، تحکیم روابط خانواده، استواری جامعه و از همه مهم‌تر ارزش و احترام زن را در پی دارد. خداوند متعال در این باره به صراحت می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ

۱. همان.

۲. الکافی، ج ۷، ص ۸۵

زن پشت پرده است، بر علیه او شهادت دهد - البته صدای زن را می شنود و دو نفر شاهد عادل می گویند که این صدای فلان زن دختر فلانی است و تو را به شهادت می طلبد - یا اینکه از پشت پرده نمی شود و باید زن در مقابل مرد حاضر شود و مرد او را با چشم خود ببیند؟

امام عسکری علیه السلام در پاسخ نامه او چنین مرقوم فرمود: «تَتَنَقَّبُ وَ تَنْظُرُ لِلشُّهُودِ إِنْ شَاءَ اللهُ»^۳ زن نقاب می زند و [با رعایت حجاب کامل] در برابر شهود حضور می یابد - ان شاء الله.

همچنان که از کلام آن حضرت پیداست، امام حتی در مواقع ضروری به رعایت حجاب زن تأکید داشته اند. شیخ مفید، بزرگ دانشمند جهان شیعه، در این باره می فرماید: «بر بانوی مسلمان لازم است در خانه اش مستور و ساکن شود و به جز ضرورت از خانه

مُتَاعاً فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»؛^۱ «چون از آنان (همسران پیامبر صلی الله علیه و آله) چیزی خواستید، از پشت حجاب از آنان بخواهید! این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه تر است.»

آیه شریفه اختلاط زن و مرد نامحرم را موجب فساد و تباهی دانسته و رعایت حجاب در میان آنان را برای سالم سازی جامعه امری ضروری قلمداد می کند. در تفسیر الکاشف آمده است: «خداوند متعال در این آیه، حکمت حجاب را جلوگیری از فساد و فتنه اعلام می کند؛ زیرا اختلاط میان مرد و زن نامحرم سبب تحریک غریزه جنسی و فراهم آمدن مقدمات گناه است.»^۲

حضرت عسکری علیه السلام با الهام از کلام وحی، بر ضرورت حفظ حجاب برای زنان مسلمان تأکید نموده است. شیخ صدوق می نویسد: محمد بن حسن صفار به آن حضرت نامه ای نوشت و در باره مردی که می خواهد بر علیه زنی نامحرم شهادت دهد، سؤال کرد که آیا آن مرد می تواند در حالی که

۱. احزاب / ۵۳.

۲. تفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه، تهران، نشر دار الکتب اسلامی، ۱۴۲۴، ذیل آیه مذکور.

۳. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۸

ازدواج موقت است.

حسن بن ظریف یکی از دوستان امام عسکری علیه السلام برای آن حضرت نامه نوشت و در باره ازدواج موقت با آن حضرت مشورت کرد. امام در پاسخ وی نوشت: «إِنَّمَا تُحِبِّي سُنَّةَ وَتُمَيِّتُ بِدَعْوَةٍ فَلَا بُأْسَ؛^۳ تو با این عمل سنتی را احیا می کنی و بدعتی را از بین می ببری؛ عیبی ندارد.»

برای روشن شدن این موضوع، مقداری بحث را گسترش می دهیم و به شرح سخن امام که بیانگر یکی از دستورات قرآنی است و رهنمود شایسته ای برای مردان و زنان مسلمان است، می پردازیم:

ازدواج موقت که متعه نیز نامیده می شود، رابطه همسری را برای مدتی محدود و معین به وجود می آورد و هنگامی که مدت سپری شد یا مرد مدت را بخشید، بدون طلاق رشته

بیرون نیاید ... و شایسته نیست در معاملات با مردان مخاطبه کند و اگر ناچار شود، با صدای آهسته سخن بگوید و در مکالمه با ناز و کرشمه سخن نگوید و از خیره شدن به نامحرم خودداری کند؛ همان گونه که خداوند متعال به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش فرمود: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»؛^۱

«[با نامحرم] به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند و در خانه های خود بمانند و همانند جاهلیت نخستین با زینت و آرایش در میان مردم ظاهر نشوید.»^۲

ازدواج موقت

یکی از برنامه های رسول خدا صلی الله علیه و آله برای سلامت جامعه، سنت حسنه ازدواج است. آن حضرت زنان را همانند مردان ترغیب به ازدواج فرموده و برای کسانی که توانایی ازدواج دائم را ندارند، ازدواج موقت پیشنهاد کرده است. بنابراین، یکی از حقوق بانوان در جامعه اسلامی انجام

۱. احزاب / ۳۲ و ۳۳.

۲. احکام النساء، شیخ مفید، قم، چاپ کنگره،

۱۴۱۳ ق، ص ۵۵.

۳. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، قم، نشر آل

البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ج ۲۱، ص ۳۰.

أَنَّ عُمَرَ نَهَى عَنِ الْمُتَعَةِ مَا زَنَى إِلَّا شَقِيًّا؛^۳ اگر عمر از نکاح موقت منع نکرده بود، جز افراد بد سرشت زنا نمی کردند.»

و در تفسیر قرطبی به نقل از ابن عباس آمده است: «ازدواج موقت رحمتی بود از طرف خداوند متعال به بندگان خدا و امت اسلام، و اگر عمر آن را نهی نکرده بود، به غیر از مردمان شقی و بد سرشت کسی در پی زنا نمی رفت.»^۴

بنابراین، منظور امام عسکری علیه السلام از احیای سنت به وسیله ازدواج موقت، سنت نبوی است و منظور ایشان از بدعت، بدعتی است که از طریق منع ازدواج موقت در زمان خلیفه دوم صورت گرفت.

همسری گسیخته می شود. این ازدواج، هیچ یک از احکام نکاح دائم را ندارد، مگر آنچه را که هنگام عقد شرط کرده باشند.^۱

قرآن کریم در مورد حلال بودن این نوع ازدواج می فرماید: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ؛^۲ اگر با زنی ازدواج موقت کردید، واجب است مهرشان را به آنان بپردازید و بر شما گناهی نیست در آنچه پس از تعیین مهر با یکدیگر توافق کرده اید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید].»

این نوع ازدواج که یکی از بهترین شیوه های پاسداری از عفت عمومی جامعه می باشد، بعد از آنکه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تشریح شد و در دوران خلیفه اول هم ادامه یافت، به وسیله خلیفه دوم منع گردید. بدیهی است که حکم قرآنی تنها با آیه قرآن نسخ می شود و زمامدار حکومت اسلامی هرگز نمی تواند در احکام قرآن دخالت کند و از اجرای آن جلوگیری نماید.

به این جهت، علی علیه السلام فرمود: «لَوْلَا

۱. آموزش دین، علامه طباطبایی، قم، نشر

جامعه مدرسین، ۱۳۶۰ ش، ص ۳۰۰.

۲. نساء / ۲۴.

۳. تفسیر طبری، محمد بن جریر طبری،

بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق، ج ۵، ص ۶۹.

۴. تفسیر قرطبی، محمد بن احمد قرطبی،

تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴، ج ۵، ص

۱۳۰.